

سؤال این است که یک انسان یا مسلمان متمدن چگونه باید باشد؟
قبل از اینکه از انسان متمدن صحبت کنیم باید بدانیم که ما به کدام تمدن تعلق داریم. آیا تمدن که نسل ما رشد کرده است یونانی است ، رومی است ، مصری است غربی امروزی است و یا اسلامی است؟ اینکه ما متعلق به کدام تمدن هستیم ، کمک می‌کند که خط مشی زندگانی خود را تعیین کنیم ، فرهنگ و دین و تاریخ خود را شناسایی کنیم و بالاخره خود را خوبتر بشناسیم. پیامبر (ص) چه قشنگ گفته است «آنکس که خود را شناخت ، خدا را شناخت». چون ما ادعا می‌کنیم که مسلمانیم ، این واقعیت تنها یک عقیده به خداوند و یا ماورای طبیعت نیست بلکه یک روش زندگانی است که از طریق خداشناسی و توحید ، زندگانی پیامبر اکرم (ص) و خانواده گرامی اش به ما منحیث الگو رسیده که همه از تمدن اسلامی که بنیانگذار آن محمد مصطفی (ص) می‌باشد ، نشأت کرده است

حالا ببینیم که تمدن اسلامی از کجا شروع شد. زمانیکه پیامبر (ص) به یثرب هجرت کرد ، نام این شهر را مدینه گذاشت. مدینه یعنی شهر . همه مشتقات دیگر مانند مدنی ، متمدن و شهری از همین مدینه گرفته شده است . اگر بخواهیم نکته مورد بحث را آسان‌تر جلوه دهیم. آیات کلام الله مجید هم به دو دسته تقسیم‌بندی شده است : مکی و مدنی. مکی دو معنی دارد: اول اینکه در مکه نازل شده است و دوم اینکه آیات مکی زیاد تر روی محور خداشناسی و یگانه پرستی ، توحید و شناخت ایمان چرخ می‌خورد. آیات مدنی یعنی که در مدینه نازل شده است و زیاد تر روی قانونمندی ، خانواده ، اجتماع ، روابط زیست باهمی و سیاست و در مجموع قانون جامعه چرخ می‌خورد. یثرب مدینه شد یعنی که حالا شما دیگر دهاتی ، قومی و قبایلی ، خرافاتی ، متعصب و تنگ نظر و تبعیض طلب نیستید. حالا شما شهری هستید. حالا شما آزاد هستید. حالا شما به سحر و جادو و خرافات اعتقاد نه می‌کنید بلکه اعتماد شما به خداوند و متکی به قانونمندی جامعه است. حالا دیگر همه در دین خواهر و برادر هستید. حالا چون خواهر و برادر هستید دشمنی را به محبت ، انتقام را به عفو و زورگویی را به مشوره جاگزین می‌کنید. حالا شما مدنی هستید و یک انسان متمدن هستید. و اساس انسان متمدن اخلاق اوست چنانچه سید المرسلین گفت: « من برای تکامل مکارم اخلاق آمده ام.» می‌بینیم که مکه به ما فرهنگ خداشناسی را آموخت و مدینه برای ما فرهنگ مدنیت یعنی اخلاق انسانی را آموخت. پس اساس زندگانی یک مسلمان متمدن ایمان به خدا و متابعت به قانون و اخلاق اجتماعی است. تفاوت میان تمدن اسلامی و غیر اسلامی اساساً ایمان به خداوند است و زیر بنای ایمان، علم است . علم بدون ایمان میتواند انسان را به بیراهه بکشاند. در اسلام ایمان بدون علم وجود ندارد . مرحوم علامه مرتضی مطهری در باره علم و ایمان قشنگ گفته است که برای شما نقل قول می‌کنم: «علم به ما روشنایی و توانایی می‌بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی. علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد، علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت، علم توانستن است و ایمان خوب خواستن، علم می‌نمایاند که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد؟ علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون، علم جهان را جهان آدمی می‌کند و ایمان روانرا روان آدمیت می‌سازد، علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می‌دهد و ایمان

به شکل عمودی بالا می برد، علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز، هم علم به انسان نیرو می دهد ، هم ایمان، اما علم نیروی منفصل می دهد و ایمان نیروی متصل ، علم زیبایی است و ایمان هم زیبایی است. علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح، علم زیبایی اندیشه است و ایمان زیبایی احساس. هم علم به انسان امنیت می بخشد و هم ایمان، علم امنیت برونی می دهد و ایمان امنیت دورنی، علم در مقابل هجوم بیماریها، سیلها ، زلزله ها ، طوفانها ایمنی می دهد و ایمان در مقابل اضطرابها ، تنهاییها ، احساس بی پناهیها ، پوچ انگاریها. علم جهان را با انسان سازگار میکند و ایمان انسان را با خودش. " اقتباس از کتاب (مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی اثر مرحوم علامه مرتضی مطهری. چاپ و توزیع انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا سال چاپ 1359 هجری خورشیدی صفحه 30)

از آنجائیکه اساس تمدن اسلامی را علم و ایمان (عقیده) و عدالت تشکیل می دهد و تا انسان عادل نباشد نه می تواند با اخلاق باشد و تا با اخلاق نباشد عادل شده نه می تواند ازین رو عدل و اخلاق را از قرآن و پیامبر (ص) می آموزد. به عبارت دیگر وقتی ما یک شخص را مدنی و متمدن خطاب می کنیم باید اول منشاء تمدن او را جستجو کنیم. مسلمان می تواند ادعا کند که مسلمان است و اگر صفات را که در ذیل نگاشته ام ، ندارد معلوم است که مسلمان مدنی نیست. بسیاری مطالب را که شما می خوانید غیر مسلمان هم باید داشته باشد و اگر ندارد یک انسان مدنی نیست و تنها به گفته جامعه شناس مشهور قرن بیستم دکتور علی شریعتی فقط دمشق افتاده است و بس حالا ببینیم مسلمان متمدن چگونه باید باشد . مسلمان متمدن نماز بر پا می کند و زکاه می دهد . مسلمان متمدن دارای اصالت و هدف است . مسلمان متمدن خود آگاه است .

مسلمان متمدن خرافه پرست ، طبیعت پرست ، ماده پرست ، و شخصیت پرست نیست

مسلمان متمدن قومی و قبایلی و قوم پرست نیست
مسلمان متمدن حقوق زن و مرد را از نگاه مدنی مساوی می شمارد
مسلمان متمدن ادیان دیگر را احترام میکند
مسلمان متمدن متواضع است و خود را از دیگران پایین می بیند نه بالا
مسلمان متمدن گفتار نیک میداشته باشد
مسلمان متمدن به ظن و گمان زندگی نه می کند مگر به یقین
مسلمان متمدن به همسایه خود رویه نیک میداشته باشد، مسلمان باشد و یا نباشد
مسلمان متمدن از تقلید امور اجتماعی و فرهنگی که خلاف توحید باشد دوری میکند
مسلمان متمدن علم می آموزد

مسلمان متمدن به همسر خود مهربان می باشد و در امور خانه با او همکاری میکند
مسلمان متمدن به اولاد خود محبت می ورزد و او را در راه عیم و معرفت تشویق میکند
مسلمان متمدن از تقلید کورکورانه پرهیز میکند
مسلمان متمدن نظیف میباشد

مسلمان متمدن لباس موزون می پوشد نه مضحک
مسلمان متمدن از غیبت ، اتهام بستن ، طعنه دادن ، فحش گفتن به مردم جداً دوری می کند

مسلمان متمدن گله و شکایه از مردم نه می کند و می گزارد تا مردم به تشبث خود یک کار را کنند ازینکه با گله و شکایه وادار ساخته شوند
مسلمان متمدن دروغ نه می گوید
مسلمان متمدن امانت را خیانت نه می کند
مسلمان متمدن به وعده وفا می کند
مسلمان متمدن از نادانان دوری می کند
مسلمان متمدن در کارها مشوره میکند
مسلمان متمدن افکار آزاد میداشته باشد نه تقلیدی
مسلمان متمدن به دیگر مذاهب احترام میکند
مسلمان متمدن در زمان مصیبت نوحه نه می کند
مسلمان متمدن عیب مردم را می پوشاند و فاش نه می کند
مسلمان متمدن به صورت و قیافه مردم ریشخند نه می کند زیرا صانع واقعی خداوند است
مسلمان متمدن دین برایش اول است نه مذهب
مسلمان متمدن در امور محوله جدی ، با ثبات و استوار میباشد
مسلمان متمدن با همکاران خود رویه نیک میداشته باشد
مسلمان متمدن عقاید دیگران را احترام میکند و اگر خلاف دین و کرامت انسانی بود آهسته از مجلس بیرون میشود
مسلمان متمدن از قرآن می آموزد و دیگران را به اسلام تشویق می کند نه اینکه اسلام و قرآن را بی حرمت سازد
مسلمان متمدن آزادی کلام ، قلم و بیان را برای مقاصد شخصی و تخریب دین استفاده نه می کند
مسلمان متمدن از آزادی بیان و قلم در چارچوب اخلاق حمایه میکند
مسلمان متمدن مسرف نه می باشد
مسلمان متمدن همیشه با علم صحبت می کند و می نویسد و خودش در راه دین میباشد.
مسلمان متمدن با سلیقه می باشد
مسلمان متمدن اول به دیگران سلام می گوید و منتظر نه می باشد تا دیگران به او سلام گویند
مسلمان متمدن جواب ایمل و تیلفون و دعوت را میدهد
مسلمان متمدن همیشه از مردم شکرگزار میباشد
مسلمان متمدن به خاطر عقاید سیاسی و مذهبی با مردم دشمن نه میشود
مسلمان متمدن تنگ نظر و عقده مند نه میباشد
مسلمان متمدن حسود نه میباشد
مسلمان متمدن از مواد مخدره دوری میکند
مسلمان متمدن منافق نه میباشد و دل و زبانش یکی میباشد و ازدورنگی و دو دلی نفرت میداشته باشد
مسلمان متمدن انتقامجو نه می باشد
مسلمان متمدن کم سخن می گوید و زیاد تر به دیگران گوش میدهد
مسلمان متمدن پابند به وقت می باشد.

مسلمان متمدن ناسپاس نه می باشد
مسلمان متمدن کم خوری میکند نه پرخوری
مسلمان متمدن با نماز گزاران سجده می کند نه اینکه از مردم خدا را جدا کند
مسلمان متمدن ، سخن چینی که سخن یک شخص را به دیگر برساند ، جداً جلوگیری می کند
مسلمان متمدن بدی را به خوبی جواب میدهد
مسلمان متمدن در امور دیگران مداخله نه می کند حتی دختر و پسر اش باشد
مسلمان متمدن از عدالت کار میگیرد حتی که به ضرر خودش و خانواده اش باشد.
مسلمان متمدن اگر اشتباه کرد از مردم معذرت میخواهد
مسلمان متمدن با اطاعت خداوند (ج) و ارشادات پیامبر(ص) زندگی میکند
مسلمان متمدن کوشش نه می کند تا عقاید خود را به دیگران بقبولاند
مسلمان متمدن وقتی دانست یک شخص جاهل است او را به خداوند می سپارد و با او بحث نه می کند

مسلمان متمدن به نام آزادی بیان و عقیده اسلام را غلط معرفی نه می کند و یا اینکه دیگران که مخالف اسلام هستند اجازه دهد که اسلام را غلط معرفی کند
مسلمان متمدن هرگز اسلام را مصالحه نه می کند
مسلمان متمدن در امور دیگران تجسس نه می کند
مسلمان متمدن به بزرگان و استادان احترام میگذارد
در صورت یک مسلمان بیچاره می شود و دیگران ، حتی به خود اجازه میدهند که او را مورد اذیت قرار دهند توهین کنند و حتی اسلام را مسخره کنند تنها برای این نیست که طرف مقابل بد اخلاق است و کافر است و جاهل و مخالف دین اسلام است ، برای این است که مسلمان در عقیده خود ضعیف می باشد و از ارشادات پیشوای بزرگوار اسلام کار نه می گیرد و مسلمان خود صفات اسلامی نه می داشته باشد و خود مسلمان محبوب خود را که الله است فراموش می کند و تنها به نام مسلمان است.
زیرا از اسلام بریده است و دیگر محبوبی ندارد . با شعر از اقبال لاهوری که خیلی ها قشنگ گفته است این نوشتار را ختم میکنم

شبلی پیش خدا بگریستم زار	مسلمانان چرا زارند و خوارند
ندا آمد نمیدانی که این قوم	دلی دارند و محبوبی ندارند

تحفه سال نو خورشیدی به آن دوستان عزیز و گرامی که اسلام را دوست دارند و میخواهند درین دنیای که هر روز به مسلمانان حمله صورت می گیرد از عقاید خود آبرومندانه دفاع کنند

دوم حمل 1395 خورشیدی/ 22 مارچ 2016